



## آیا مصاحبه لازم است؟ مفید است؟

بله مصاحبه بسیار لازم است، مصاحبه در لغت بمعنای هم نشینی است یعنی دونفر یا چند نفر بنشینند و باهم گپ بزنند. بنابراین مهمترین قسمت مصاحبه همان گپ زدن است.

اما آیا آدم با همه کس، همه جا، همه وقت سر هر موضوع برای ضبط یا چاپ یا نمایش یا هر دلیل دیگر می تواند حرف بزند؟ اصلا حرفش می آید؟ توجه داریم که اصل مصاحبه حرف زدن است. یعنی اینکه مصاحبه کننده، مصاحبه شونده، را بر سر حرف آورد. او را وادارد که خودش را باز کند، ضمیرش را عیان کند، آنچه مدتهاست می خواهد بگوید، می خواسته است بگوید، روی دایره بریزد. اگر مصاحبه کننده ای بتواند مصاحبه شونده را تا این حد از قیدها و بندها آزاد کند، به هدف مصاحبه رسیده است والا خلاصه می کنم مصاحبه کننده هماراست و مصاحبه شونده باردار ماما کمک می کند تا باردار بارش را زمین بگذارد.

يك مصاحبه ناموفق، مانند اکثر مصاحبه های دیده و شنیده و خوانده، نه تنها باری از دل مصاحبه شونده بر نمی دارد، بلکه او را سنگین تر و اندوهگین تر می کند.

با مقدمه بالا معلوم است که مصاحبه لازم است، چون باید شاعر شعرش را بخواند مخترع از اختراعش حرف بزند و سیاستمدار درباره حال و آینده سخن بگوید.

ومفید است زیرا که شاعر و مخترع و سیاستمدار سبک و راحت خواهند شد و مردم راحت تر.

اما چگونه می توانیم به ژرفای دریا برسیم و به در و مرجان دست یابیم؟ شرطها دارد.

### ۱- آیا مصاحبه شونده را میشناسیم؟

بدترین مصاحبه آنست که بسراغ کسی برویم و بخواهیم با او مصاحبه کنیم، در حالی که کوچکترین آگاهی درباره او نداریم. اگر مصاحبه شونده خود خواسته باشد که با او مصاحبه شود، معمولا سئوالها را خودش طرح می کند و بدست مصاحبه کننده می دهد. چه بسا که خودش هم سئوال و جواب را می نویسد و با عکس ۶ X ۴ خودش می فرستد! البته این کار مخصوص روزنامه یا مجله است، در مورد رادیو یا تلویزیون که بهر حال صدا و تصویر نقش مهمی

دارد ، کمی فرق می کند . ولی باز شنیده‌ام که مصاحبه شونده جوابهایش را روی کاغذ از پیش نوشته و خوانده است .

چنین مصاحبه‌هایی هر دو است و جان ندارد . بدرد نمی خورد . دریک مصاحبه زنده که خون دارد باید :

۱- در مصاحبه شونده: هیجان ، شور و حال دید . کسی که می خواهد و تصمیم دارد چیزی را بگوید . منتظر فرصت مناسب می گردد و در مصاحبه کننده کنجکاوی ، حضور ذهن ، توجه ، توجه ، توجه ، به حرف‌ها ، ژست‌ها ، تغییر خطوط چهره مصاحبه شونده را باید دید . مصاحبه کننده درخفا ، درنهان قدم به قدم مصاحبه شونده را تعقیب می کند . گفتم . درنهان زیرا که نباید مصاحبه شونده را مأیوس و دلسرد و اندوهگین بکند . او باید مصاحبه شونده را به حال بی خودی راهنمایی کند تا از او حرف بشنود . حرفی که از ژرفای دل او بیرون می آید .

در مصاحبه‌هایی که مصاحبه کننده ، به حرف‌های مصاحب خود گوش نمی دهد ، یا در عالم خودش است ، چگونه انتظار داریم که حرف نگفته و در نسفته بیابیم ؟ نه . اینطور نمی شود . اکثر مصاحبه‌ها جز این نیست .

۲- مصاحبه کننده کشتیبان است ، او راه را می داند . مقصد را می داند . مصاحبه شونده در عالم خودش است ، می داند چه می داند . اما نمی داند دانش او به چه درد مصاحبه کننده و دیگران که حرفهایش را می خوانند و می شنوند می خورد ، یا دقیق نمی داند . پس سر نخ را بدستش بدهیم و بگذاریم حرفش را بزند . **ترا بخدا بگذاریم** مصاحبه شونده حرف بزند . حرف زدن مصاحبه کننده مهم نیست یا حرف زدن او کم اهمیت است . مصاحبه کنندگان بسیارند : مصاحبه شوندگان کم . چه فایده دارد اظهار فضل کنیم؟ چه فایده دارد پیوسته بخواهیم به مصاحبه شونده ثابت کنیم که با او دریک صف نشسته‌ایم : دکتر است ، مهندس است ، استاد است ، مهم نیست ، حالا پهلوی ما روی یکنوع مبل نشسته است .

نه . احترام گذاشتن ، متواضع بودن از ارزش آدم نمی کاهد . ارزش آدم به احترامی که برای خودش می گذارد نیست ، به احترامی است که برایش می گذارند . آیا اگر نمی فهمند و نمی گذارند ، نگذارند ، یک روز خواهند گذاشت . بله .

پس کاری نکنیم که مصاحبه شونده فکر کند ، می خواهیم با مصاحبه وی را دست بیندازیم ، کوچک کنیم . چون در این صورت خودش را خواهد بست

و کار ما تمام می شود .  
باز به این مسأله مهم برمی گردم . مصاحبه شونده را می شناسیم؟ باید  
اورا بشناسیم . کافی نیست بدانیم در فلان رشته متخصص است . تخصص آدمها  
قسمتی از معلومات آنها ، قسمتی از آگاهی های آنهاست . همه به تئاتر می روند ،  
همه به موسیقی گوش می دهند ، گاه درك و حس يك آدم عاشق موسیقی از يك  
نوازنده بیشتر است ، شناختها و حسها با شغل ارتباط مستقیم ندارد . پس باید  
مصاحبه شونده را از همه جهاتش بررسی کنیم . از دیگران ، از کتابها درباره او  
پرسیم . وقتی او پهلوی ما نشسته است باید تعجب کند که ما چقدر اورا  
خوب می شناسیم وقتی این اطمینان را به او دادیم ، آنوقت از پوست سنگ پستی  
خودش درمی آید . لازم است همان در آغاز به او نشان دهیم که به کارهایش  
آشنا هستیم ، به عقایدش احترام می گذاریم ، که به کارمان و نتیجه ای که از  
مصاحبه با او خواهیم گرفت ایمان داریم .

### کجا مصاحبه می کنیم؟

جای مصاحبه مهم است . آدم جالبی را در يك خیابان شلوغ در حال  
خرید گیر آورده ایم ، معلوم است که نمی توانیم با او مصاحبه کنیم . از او  
پرسیم کجا دوست دارد با او حرف بزنیم . این محل باید آنجا باشد که آدم  
احساس راحتی و امنیت می کند .  
خانه؟ پارک عمومی؟ کجا؟ محل ملاقات را باید او انتخاب کند .

### زمان مصاحبه؟

زمان مصاحبه را باید به گونه ای انتخاب کنیم که ذهن آزاد و بیدار باشد .  
اگر هم نشین ما هنرمند است باید بدانیم که اکثر خیلی زود از تأثری به تأثر  
دیگر می گذرد . زمان برای او تداوم ثانیه ها یا حرکت تکراری عقربه بلند  
و کوتاه ساعت نیست . زمان او پیوسته درد گرگونی است . پس باید اورا در  
تعیین وقت و حتی در وقتی که معین شده است - وقت به توافق رسیده - آزاد  
بگذاریم .

مدت مصاحبه . بسیار شنیده ام که جماعتی می گویند مصاحبه نباید از نظر  
زمانی از نیم ساعت بیشتر باشد . خسته می کند . کسی دیگر گوش نمی دهد و  
نگاه نمی کند . من منظور از کسی را هیچوقت نهمیده ام . در رادیو پس از

هر دو یا سه دقیقه می گویند : «شنوندگان گرامی زیاد حرف زدیم برای رفع خستگی يك موزيك گوش بدهید.»

اینها همه حرف بیهوده است . اگر حرف برای یکساعت وجود دارد چرا صاحب یکساعت طول نکشد؟ اگر ما بین تماشاگر و شنونده - از سئوالهای تکراری و احمقانه مصاحبه کننده خسته می شویم . این مسأله ارتباطی به ارزش و اهمیت مصاحبه ندارد . مهم اینست : نباید کاری کنیم که مصاحبه کننده حرفی را ناکفته بگذارد .

آزادی در طرز نشستن ، لباس پوشیدن ، خوردن ، نوشیدن . اگر مهم است که مصاحبه شونده پیام خودش را به خواننده و شنونده و بیننده برساند ، پس باید احساس راحتی کند . وقتی گرمش است باید اجازه داشته باشد کتش را در بیاورد . وقتی صدایش می گیرد باید حق داشته باشد ، جای بخواهد ، وقتی می خواهد خودش را روی چیزی متمرکز کند باید بتواند سیگاری دود کند . مهم اینست : او باید احساس راحتی و آزادی کند .

### حرفها را چگونه ضبط می کنیم ؟

ضبط صوت بهترین وسیله است . زیرا صدا را ضبط می کند . هیچ چیز از آدم دورتر و به آدم نزدیکتر از صدای آدم نیست . همه : اول بار که صدای خودشان را از ضبط صورت می شنوند ، انکار می کنند که صدا ، صدای آنها باشد . وقتی صدای خودشان را شنیدند تکه ای از وجود خودشان را خواهند شناخت . نوار ضبط صوت را می توان باز شنید . نوشتن این موضوع خیلی مهم است زیرا لغت هائی که ما به وقت حرف زدن بکار می بریم به ما نزدیکترند تا لغت هائی که به وقت نوشتن بکار می گیریم . بنابراین وقتی حرفهای مصاحبه شونده را می نویسیم ، به او نزدیکتر هستیم تا آن زمان که نوشته او را می نویسیم . مستثنی آنهائی هستند که همانگونه که حرف می زنند ، می نویسند . و اینها واقعاً مستثنی هستند .

### ما برای چه کسانی حرف می زنیم ؟

باید به مصاحبه شونده بگوئیم ، که سخنش را برای چه چاپ خواهیم کرد یا بگوش و چشم چه کسی خواهیم رساند . خیلی ها هستند که حاضرند برای يك دوست همه چیز را بگویند و نه برای يك توده ناشناس . اگر مورد ما اینست .

